

# خرد؛ گم‌شده نظام آموزشی است

## نیوشا طبیعی

آنچه در مدارس به کودکان آموزش می‌دهند، بیشتر از اندکی دانایی درباره خواندن و نوشتن نیست. مدارس امروز در همه جهان، بیشتر به کار تربیت نیروی کار برای نظام سرمایه‌داری می‌آیند تا تربیت انسان‌هایی آزاداندیش و خلاق. از خرد و حکمت کمتر سخنی به میان می‌آید.

تاریخ و جغرافیا و منطق و فلسفه به صورت انبوهی از مطالب خشک و بی‌روح و خسته‌کننده و آزاردهنده عرضه می‌شوند. ادبیات به سطحی نازل و ابزاری تنزل پیدا کرده و دانش‌آموز ایرانی با متون جذاب و دلکش و میراث عظیم حکمی و اخلاقی و عرفانی نهفته در ادبیات فارسی آشنا نمی‌شود. از هنرهای دیگر ملی نیز سخنی به میان نمی‌آید. موسیقی و نگارگری و معماری ایران به درستی معرفی نمی‌شوند تا علایق کودکان برانگیخته شود و از این راه استعدادها تجلی پیدا کنند.

مسیری تخت و یکنواخت با شیوه‌های کهنه و خسته‌کننده که تلاش می‌شود با رنگ و لعاب دادن به کتاب‌های آموزشی و وضع اصطلاحات جدید به آن سر و صورتی نو بدهند. اما مشکل در صورت نیست، محتوای آموزشی ما - و البته بسیاری از کشورهای دیگر- ساخته و پرداخته نظام جهانی سرمایه‌داری است. دستگاه آموزشی در کشور ما از پس سال‌ها و دهه‌ها که از عمرش می‌گذرد تبدیل به سازمانی عظیم و کم‌تحرک شده که با شیوه‌های قدیمی و دیوانسالاری پیچیده می‌کوشد نسلی نو تربیت کند.

در این فرآیند انبوهی از استعدادها و توانمندی‌ها می‌سوزند و نابود می‌شوند و فقط کسانی که از بخت نیک و پشتکار و تلاش بیش از میزان عادی و معمولی برخوردار باشند، می‌توانند به جایگاهی درخور برسند و زندگی خلاقانه خود را در پیش بگیرند.

باقی آدم‌ها در چرخه نظام آموزشی فروغ استعدادشان رفته رفته خاموشی می‌گیرد و تبدیل به کارمندان و کارکنان سر به راه و بی‌ادعا و حرف‌گوش‌کنی می‌شوند که برای راه‌اندازی چرخ‌دنده‌های نظام اداری و تولیدی استخدام می‌شوند.

به عرض رساندم که تنها ما با این عارضه دست به گریبان نیستیم و این گرفتاری، جهانی است. فقط چند کشور معدود مانند اسکاندیناوی‌ها چند دهه است که چارچوب‌های سخت نظام‌های آموزشی و شیوه‌های باقیمانده از اوایل قرن بیستم را شکسته و طرحی نو در انداخته‌اند.

آنها شیوه‌های نوینی به کار گرفته‌اند تا کودکان استعدادها و نهفته خود را بروز دهند. سوادآموزی را در اولویت بعدی قرار داده و دست به کار تربیت نسلی شده‌اند که فرصت بروز توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود را از اوان کودکی داشته باشد.

به این صورت دانش‌آموزان مستعد که هنوز چراغ خلاقیت‌شان شعله‌ور است امکان می‌یابند که در زمینه‌های گوناگون تجربه و دانش بیاندوزند. ترکیب دانش و تجربه به علاوه خلاقیت سبب بروز خرد در آدمی می‌شود. چیزی که در نظام‌های آموزشی به عمد یا به سهو گم‌شده است همین عنصر والای «خرد» است. حال جامعه‌ای را تصور کنید که جوانان دیپلمه‌اش از دبیرستان که پا به بیرون می‌گذارند علاوه بر دانش معمول خواندن و نوشتن در حوزه‌های گوناگون فکری و عملی «خردورز» شده‌اند.

تجربه عملی در زندگی به آنها کمک می‌کند که اعضای بهتر و مفیدتری برای جامعه انسانی باشند. تاثیر این نوع تربیت به نسل‌های بعد تسری می‌یابد و پدر و مادرهای بهتر و خردمندتر، فرزندان بهتری از خود به جا می‌گذارند. قصدم از ذکر نمونه اسکاندیناوی‌ها به هیچ‌وجه توصیه به الگوبرداری و تکرار شیوه‌های آنها نیست. قطعا هر کشوری باید روش‌های مبتنی بر اقلیم و شرایط و پیشینه تاریخی و فرهنگی خود را بیابد و براساس آنها اقدام به تحول در نظام آموزشی خود کند. جوامعی که متوجه عدم کارایی مدارس فعلی شده‌اند، قطعا خواهند توانست به استقبال تحولات پیش رو بروند و تشخیص فرهنگی و تاریخی خود را در زمانه جهانی‌سازی حفظ کنند و آنها که از تحول به ظواهر و فرم‌ها و اشکال و دادن شعار و برگزاری سمینار و سخنرانی بسنده کنند، مستحیل خواهند شد.